

یادداشت درباره مقاله محترم کشتمند در همایش نوبتی

پژوهشگران افغانستان

بتاریخ ۲۹ / ۵ / ۲۰۱۰ در تالار کنفرانس های دانشگاه اکسفورد بریتانیا به اصطلاح همایش نوبتی کانون پژوهشگران ملیت هزاره افغانستان در اسام محترم سلطان علی کشتمند، با ترکیب فامیلی ان که ۲۵ نفر، و از اقارب و خویشاوندان که در مجموعه حضور داشت تدویر گردیده است. میخوام به ارتباط بیانیه محترم کشتمند سطری چندی را عرض روشن



شدن محتوای مضمون یکجانبه شان به قضاوت خوانندگان و اعضای محترم سابق حزب پرافتخار ما ح، د، خ، ا، و بعداً حزب وطن تقدیم و پیش کش نمایم.

در مقدمه لازم است به ترکیب ملی کشور از نظر مورخین نظر اندازی کوتاه صورت گیرد. کشور باستانی ما افغانستان عزیز نظر به آحصای نفوس آن بنا بر نشر کتاب نفوس دنیا سال «۱۹۸۱» اکادمی علوم اتحاد شوروی سابق صفحه ۳۷۷ قرار ذیل است

۱- پشتون ها ۵۲،۹٪، تاجک ها ۱۹،۸٪، هزاره ها ۸،۶٪، ازبک ها ۸،۶٪، ترکمن ها ۲،۱۰٪، بلوچ ها ۰،۹٪، نورستانی ها ۰،۸٪، پامیری ها ۰،۷٪، کردها ۰،۱٪، قزلباش ها ۰،۲٪، قرغز ها ۰،۱٪، هندوها ۰،۲٪، عربها ۰،۲٪، مغل ها ۰،۱٪، وپشه ای ها ۰،۷٪، تیرای ۰،۱٪.

۲- در سال ۱۹۹۶ واک فونديشن نفوس کشور را قرار ذیل تثبیت نموده است. به حساب نصب و ملیت، پشتون ها ۷۲،۶٪، تاجک ها ۱۲،۳٪، هزاره ها ۹،۰٪، ازبک ها ۸،۶٪، ترکمن ها ۲،۶۹٪، ایماق ها ۲،۶۸٪، سایر اقوام ۴،۴٪.

۳- به اساس گویندگان زبان:

پشتون ها ۷۳،۷٪، تاجک ها ۳۳٪، ازبک ها ۸،۵٪، ترکمن ها ۴،۱٪، در این فیصدی پشتون ها از لحاظ زبان ۷۳،۷٪ را از دست داده است و تاجک ها از لحاظ زبان ۱۱٪ اضافه گردیده است. که این پروسه در ولایت هرات در اقوام پشتون ها بخوبی مطالعه شده می تواند. در مضمون در رابطه به تاریخ، جامعه شناسی، انسان شناسی، روان شناسی، و فرهنگ افغانی نظر اندازی صورت گرفته است.

حقیقت این است که تاریخ واقعات گذشته سیاسی، و عمل کرد جامعه بشری را به قید زمان و مکان مورد بحث قرار میدهند. محترم کشتمند در جای بیانیه خویش چنین آورده است

« پژوهش های تاریخی نشان می‌دهند که واژه آریا یا آریا متذکره در سنسکریت و اویستا ریشه در زبان های «هندو ایرانی» دارد. معلوم است که گویندگان این زبان ها مشتمل بر نژاد ها ، تبار ها ، قبایل و اقوام گوناگون بوده و جای بران باقی نمی ماند که کسانی بنام قوم و نژاد آریایی و غیره افتخار نامه نژادی کسب نمایند»

شخص خودم بانظر موصوف موافق نبوده . در زمینه اسناد و شواهدی تاریخی ، علمی ، معتبر وجود دارد که قرار ذیل به شرح حال آن میپردازیم. ونظر افاقی کدام ارزش تاریخی ندارد. در مورد آریانا ، و آریایی ، و آریا نژاد چنین پژوهش انکارنا پذیر صورت گرفته است که گویا به گفته مردم افتاب به دو انگشت پنهان نمی شود.

۱ - موقعیت آریانا

آریانا در قدیم با سرزمین هم ساحه بوده که بین پارس و هند قرار داشت . یونانی ها ی قدیم آنرا « آریا » نامی خواندند . در پارس قدیم بنام « ایریا » یا ایریانا و در سنسکریت « آریا ورته » یا ورته و در زند بنام آریایی و یجو یاد میشوند. آریانا قدیم ترین نام افغانستان از عهد اویستا « هزار سال قبل از میلاد تا قرن پنجم میلادی در طول تاریخ وطی یکنیم هزار سال « ۱۵۰۰ » به کشور افغان ها اطلاق میشد. » در اویستا این نام به شکل « آریانا » ذکر گردیده است . مفهوم آریانا به معنی کشور مردمان « اعلی ، نجیب زاده ، و آزاده » می باشند . چون که کلمه سنسکریت آریا به مفهوم ازاده ، نجیب ، و نجیب زاده میباشد. و همچنان به محترم ، ممتاز ، و شریف معنی و تعبیر شده است. حدود آریانا در شرق به دریای سند ، جنوب به بحر هند متصل گردیده است ، و در شمال کوه های پاراپامیزوس سرحد آن بوده . و از طرف غرب کرمان و یزد را شامل میگردد. کلمه آریانا برای اولین بار در کتاب « آراتسفن » در قرن سوم قبل میلاد به شکل یونانی دیده شده اند . این ها مردمان بودند که در حدودی « ۲۹۰۰ » ق ، م از سوی شمال به طرف دهانه رود هیرمند که در نتیجه شرایط بخصوص برای شهر نشینی مناسب بودند سر ا زیر شدن و سپس هزار سال بودن در زمانی که مسیر رود هیرمند تغییر یافت این مردم به طرف دره پنجاب مهاجرت کردن و در آن جا امپراطوری های بزرگ را تشکیل دادند .

۲ - بر علاوه مورخین افغانی در مورد آریانا کبیر پژوهش زیل انجام داده است

آریایان ، آریانا ، و ایریانا از « ۲۰۰۰ - ۱۵۰۰ » ق ، م در بخی بلخ باستان مسکن گزین شده اند . که یونانی های قدیم آنرا به نام های « باکتریا » یا باختر نامیده اند بلخ شهری است ، قدیم ترین شهری آریانا ، شاید قدیم ترین شهری مشرق زمین و قدیم ترین شهری دنیا باشند. در زمان که « نینوا » و « بابل » هنوز در صفحه هستی نیامده بود. « بکتریا » مستحکم ترین ، مقتدر ترین ، با عظمت ترین شهری دنیا معلوم الحال ، و مدنی ترین آن وقت بود . و بی جاه نیست که اعراب بنام « ام البلاد » یاد کرده اند . بلخ مرکز باختر یک مفهوم و معنی جامع دارد. در دوره های مختلف تاریخ حیثیت کانون نژاد ، زبان ، آیین ، ادبیات ، ثقافت ، تهذیب ، علم ، اداره ، حکمفرمایی امریت داشته ، و اشعه تابان آن فراز کوه های بلند آریانا ، و آریایی نژاد به ماورای افق تابیده است . بلخ از حکم فرمایی پادشاهان آن حکایت میکنند . و بلخ یک بخشی از دنیا ی است . که گندم در زمان های بسیار قدیم در آن کشت شده است . و تمدن زراعتی از زمانه های بسیار قدیم در آنجا شروع شده است و مردم آریایی ، و آریایی نژاد ، در بلخ نظم های سیاسی و ساختمانی را بنیاد نموده است . در این مورد مورخین یونانی معلومات میدهند. که اویستا یک منبع با اعتبار و پر افتخار محلی بوده است. که در اخیر دوره کیانی در عصر « ویشناسپه » پادشاه در مورد بخی « آریانا و ایچاه » و یا آریانا و یجو « معلومات کافی پیش کش میکنند. در زمان زردشت بلخ و بخی مرکز دوره کیانی ها بوده و خانواده اسپه حکمروایی میکردند . باشندگان آن آریایان ، آریایی نژاد بودند . آنها نام وطن خویش را آریانا و ایچاه و یا آریانا و یجو می نامیدند و « ۲۰۰۰ » ق ، م در بلخ زندگی میکردند و در بلخ مدنیت اویستایی را بنیاد گذاری کردند . در زمان های قدیم سرحدات کشور ها نامعین بوده کمبود نفوس و اهالی احساس میشدند و از طرف دیگر ساحه وسیع

زمین ها به سبب ما لداری مردم غرض اشغال زمین های خوب مهاجرت ها میکردند، دولت ها، و امپراطوری ها بنام خانواده هاو فامیل های حاکم یاد میشدند. «از این سبب تمدن بلخ بنام مردم آریایی نژاد یاد میشد» و نام مملکت آن بنام آریانا وجود تاریخ ذکر گردیده است علاوه بر آن تاریخ هخامنشیان و کوشانیان در شرق و غرب آریانا موید این حقیقت است. که داریوش هخامنشی و کنیشکای کوشانی خود را منسوب به تبار آریایی، و آریایی نژاد دانسته. و داریوش در سال «۵۲۲ - ۴۸۶» ق، م درسنگ نبشته های خویش سطره های «۸ - ۱۵» و سطره های «۷ - ۱۴» خود را هم پارسی، هم آریایی، و هم از نژاد آریایی معرفی میکنند. داریوش شاه بزرگ شاه شاهان پسر ویشتاسپه هخامنشی پارسی، آریایی، و از نژاد آریایی بوده که همین عبارت پسر داریوش در تخت جمشید سطره های «۶ - ۱۳» نیز در یک سنگ نبشته اش تکرار نموده اند. عبارات فوق را آقا آذر کیانی ترجمه و تفسیر نموده اند که زبان آن آریا، و آریایی خوانده شده است. بطور مثال: در تاریخ هیرودوت نام پارسیا، پارس ذکر گردیده است. مملکت و وطن شان بنام پارس یاد شده است. در حالیکه کلمه ایران از آریانا مشتق گردیده است

قابل توجه است اینکه: هنری ولسن اولین مورخ در سال «۱۸۴۱» در کتاب خویش بنام «لر غونی آریانا» یاد شده دوره پادشاهی باختری و یونانی را روی سکه ها تثبیت نموده است که سیاح انگریزی چارلز میسن در قرن «۱۹» در افغانستان و بلوچستان جمع اوری نموده بود. که آریانا نام همان ملک است که در بین پارس و هند موقعیت دارد. که بعد از مرگ سکندر در سال «۳۲۳» قبل المیلاد به میان آمده بود. و قلمرو یونان و باختری از دور ویدی آریانا و یوجو بوده که بنام آریانا یاد گردیده. و مردم آن آریایی نژاد بودند. محترم احمد علی کهزاد میگویند «پکت، پینت، بخت، به یک ریشه بر میگردد و از قدیم ترین قبایل ویدی آریایی نژاد باختر است». که حین مهاجرت دوحصه شده است. که یکی در بلخ مسکن گزین گردیده. و کتله دوم آن طرف هند مهاجرت نموده است. بدین ترتیب بکتريا یا بخدی در دوره اویستا مردم آریا «هرات» و مردم ارکوزیا یا کندهار که حکمرانان و سران سیاسی آن خانواده با نفوذ آن بودند. و در بخدی بلخ خانواده اسپه حاکم بودند. که مرکز زری اسپه یا بکتريا بود. هم چنان حاکمان خانواده بنام های **دلهر اسپه، وشتاسپه، گرشتاسپه**، و بنام های **جم اسپه، و پدر زردشت بنام پورو شاسپه** معرفی شده است. اویستا ترانه های مذهبی ویدی است. که در چار جلد ترتیب گردیده است. **۱- یثنا، ۲- سوسپرید، ۳- یثت، ۴- وندیداد**، بدین سان کتاب اویستا زردشت برای محققان و مورخین در جهت روشن شدن مدنیت و تمدن قدیم کشور قابل قدر و ارزشمند و مایه افتخار است کتاب زند تفسیر اویستا است. و بطور مختصر شایان ذکر است که زردشت در بخدی بلخ یا باختریا در خانواده ویا فامیل سپی تاما گان متولد گردیده است. که در اویستا «اسپی تاما» زردشت یاد گردیده. نام پدر اش پورو شاسپه نامیده می شود. و به خانواده ویا فامیل اسپه منسوب است. زردشت در بلخ به دربار وشتاسپه پادشاه راه یافت پادشاه را بشمول تمام خانواده آن به دین زردشتی مشرف نمودن و بدین ترتیب دین زردشتی در تمامی آریانا انتشار پیدا کرد. دین زردشتی به اخلاقیات اساس گذاری شده است. و اولین شخصیت بود که آیین یکتا ه پرستی ویا «مز دیسنا» را در بلخ بمیان آورد. زردشت در «گاتا» قدیم ترین مجموعه سخنان او به صفت «سفیدتمان» یعنی «سفید نژاد» و سفید دامن که به اصطلاح آنرا پاک دامن و پارسا میتوان خواند. که این امر صیغه و اصلالت آریایی بودن و حیثیت خانوادگی آنرا در جامعه انروزی نشان می دهند. زردشت مردم را به زراعت و مالداری تشویق میکرد. و خودش از مالدارهای بزرگ بلخ بود. **اخلاقیات زردشت، کردار نیک، گفتار نیک، پندار نیک**، این سه نکته بنیاد فکری ویرا تشکیل میداد. زردشت در عقیده خود به آتش مقام والا قایل بود. او عقیده داشت که آتش خانه های «مزد یثنایی» را روشن میکنند در صورت که در دیگ دان خانه آتش روشن گردد. ارواح مردگان حاضر میشود بدین ترتیب در بین زنده ها و مرده ها علائق و ارتباط دوام پیدا میکنند. بدین صورت بعد از حادثه مرگ در یک خانه باید به ارواح آن خیر و خیرات صورت گیرد. که این رواج تا هنوز در بین مردم ما به قوت خود باقی

است. وزر دشت عقیده داشت که آتش بچه «**اهور امزدا**» است. اسپه در اویستا به معنی اسپ است و اسپه در زبان پشتو مونث اسپ است. و تاحال در زبان پشتو زنده است. خانواده اسپه یک خانواده پشتون بودند. بدین ترتیب زبان شان پشتو از «**گاتا**» های اویستا ریشه گرفته که یک بخش کلان اویستا است. که مربوط ترانه های گاتا ها است **میر غلام محمد غبار، احمد علی کهزاد، یعقوب حسن خان، عبدالرحمن پژواک** هم چنان این نظر را تقویه میکنند آنها عقیده دارند که خانواده اسپه خانواده پشتون بودند. بدین ترتیب در مورد خانواده اسپه ابوریحان البیرونی، احمد علی کهزاد، مورخ یونانی کونر سین، مورخ و جغرافیه دان «**سترابو**» و مورخ یونانی ارین هم چنان نظر مشابه دارند. بدین ترتیب خانواده حاکم در بلخ نام خویش را به اسپه مسمی کرده بود. و پشتون ها اسپ را به نظر خوب می دیدند. در حقیقت اسپ پیش از عصر ماشین مهم بود. و وقتی که رکاب ساخته شد اهمیت اسپ بالا رفت و فاصله دور در وقت کوتاه طی گردید. بدین لحاظ چنگیز خان، امیر تیمور، بابر شاه، نادر افشار، احمد شاه درانی، فتوحات بزرگ را توسط اسپ موفق شدند و امپراطوری های بزرگ را ساختن. در نتیجه در صورت که زبان های آریایی یک شاخه زبان های «هندو اروپایی» قبول کنیم، آریانا کبیر، زبان های آریایی ها، و مردم آریایی نژاد، که بخدی بلخ مشعل ان است نظریه شواهد و اسناد تاریخی خلاف «نظر کشتمند» باید ما افغان های اصیل سر آریایی نژاد خویش افتخار کنیم، ما آریایی نژاد بودیم و هستیم و تاریخ گواه این حقیقت است. **در مورد اماکن تاریخی و سکونت آریایی ها:** کشور عزیز افغانستان بنام های مختلف محلات آن یاد گردیده است. که در این یادداشت کوتاه گنجائید ان کاری دشوار است. صرف به طور نمونه در مورد ولایت لغمان در تاریخ چنین آمده است. لمبتی هایکی از قبایل باستانی کشور ماکه در حوزه های رود خانه الیشنگ، والینگار یعنی در لغمان زنده گانی داشتند، «**لمبتی ها**» بودند. لمبتی ها جز قبایل آریایی ویدی بوده و در همان زمانه های باستان که مهاجرت قبایل آریایی بطرف شرق شروع شده بود تعدادی در وادی های دو رود خانه فوق الذکر جای گرفته و تعدادی بطرف شرق رفته و در خاک های ماورای اندوس پراکنده شدند. از این رو در مجموعه رزمی «**مهاباراته**» بنام «**لامپاکا**» ذکر شده اند. بطلیموس ایشان را به اسمی «**لمبتی**» یاد کرده و هنوز هم قریه در لغمان بنام «**لمتی**» موجود است. کنگهم انگلیسی «**لمبتی**» متذکره بطلیموس را «**لمبگی**» تصحیح کرده است. «**هیوان تسنگ**» زیر چینی در نیمه اول قرن هفت مسیحی لغمان را بنام «**لان پو**» خوانده و میگویند که تلفظ اصلی نام این گوشه آریانا «**لامبا**» یا «**لومبا**» بود و این کلمه در «**لمبتی**» بطلیموس هم دیده میشود. و با قوی احتمال میتوان گفت که این اسم متذکره اهالی «**لومبا**» را در بر میگردد اسم موجوده لغمان از همان نام های باستانی «**لان پو**»، «**لامپاکا**» و «**لامبا**» به میان آمده است. و در مورد سایر اقوام و نژاد های کشور از جمله ملیت برادر هزاره مورخین به این عقیده است که ملیت هزاره در افغانستان از بقایای چنگیز خان در سده «**۱۲۲۹**» عیسوی می باشد. و از جغتایی منگولیا سرا زیر گردیده است و از باقیمانده های پوسته های امنیتی نظامی آنها که بنام هزاره یاد می شدند میباشند. و از لحاظ مذهبی از دوران صفویان کشور ایران مسلمان و به شیعه مذهب مشرف شدند.

۲ - هرکس می تواند بیدون ماءخذ، بیدون اسناد و شواهد، تاریخ را از نظر شخصی خویش به میل خویش تحریف نماید. ولی تاریخ حقیقی هیچ وقت از نظر مورخین پنهان نمی گردد. و کتمان ان جرم نابخشودنی است و در نزد تاریخ مسوول میباشند. محترم کشتمند در یادداشت خویش در جای دیگری چنین تحریر کرده است

«**واقعیت تاریخی این است که حضور دراز مدت نیروهای اتحاد شوروی سابق در افغانستان در دهه هشتاد اشتباه بود و به بهانه ای بدست نیروهای راستگرای افراطی مبدل گردید.**»

شخص خودم من حیث عضوه سابقه دار، د، خ، ا، و بعداً حزب وطن با شرح حال زیل با نظریه محترم کشتمند موافق هستم. قابل یاد اوری است که مردم افغانستان، صفوف، و تمامی اعضای حزب وطن همه ای ما به اشغال کشور توسط قوای اتحاد شوروی سابق که خلاف نورم های بین المللی صورت گرفت در هر نوع ان مخالف بودیم، و هستیم که

در نتیجه ما افغان ها بر باد شدید و سیستم جهانی سوسیالیستی از بین رفت. ای کاشکی شما در همان آغاز بازی اوپراتیفی این مطلب را اشکار مینمودید. در حالیکه شما از اشتباه قوت های اتحاد شوروی سابق به نفع خویش استفاده نمودید. ده سال پوست صدارت کشور، و عضویت در بیروسیاسی حزب از برکت اشتباه قوت های اتحاد شوروی سابق نصیب شما گردید، در این مقطع تاریخی کشور و غارت هستی مادی و معنوی آن توسط بیگانگان که سوال بود و نبود و حیات کشور مطرح بحث است. آگاهان و رهبران سیاسی باید درباره حفظ منافع ملی اندیشید. نه در برابر یک اقلیت کوچک در کشور بنام کانون پژوهش تاریخی ملیت هزاره و خانوادگی؟ خویشتن را خورد ساختن جرم و گناه تاریخی است. از لحاظ سیاسی آقای کشتمند به مردم افغانستان تعلق دارد. نه به یک ملیت کوچک هزاره ها در غیران مردم بلاکشیده و حزب شهیدان و قهرمانان به شما محاسبه جداگانه خواهند داشت. خوب است که در این مقطع زمانی جهان انترنیت همه ای ما حقوق مساوی ازادی بیان داریم اندیشیدن و قضاوت حقیقی سر گذشته ها دشوار است. در غیر آن باید تذکر نمود اگر شما را از محبس امین و چنگال فاشیزم ان نجات نمی داد امروز استخوان های شما هم تجزیه می بود.

یک دفع به عقب نگاه کردن که چه واقع شد باید وجدان ماتکان بخورد که بعد از دوران حاکمیت و سقوط حزب از قدرت چه واقعات رخ داد بحث است جداگانه و چه چیزها را پشت سر گذاشتیم. در امتیازات در صف اول و در روزهای دشواران فرار از دفتر سیاسی حزب «در این مورد تاریخ حزب قضاوت خود را دارد» - و در ده سال چوکی صدارت خویش تمامی هستی مادی و معنوی کشور بیچاره را همه و همه رابه نفع شخصی خود به کار بردید. در تاریخ این نمونه به گفته مردم وجود ندارد. «که رهبر سیاسی غازی شود، شهید شود، و هم صحت سلامت به تمامی اهل و بیت فامیلی اضافتر از (۴۰) نفر به استفاده از امکانات دولتی به خانه لندن برگردد. راستی که سیاست رهبران مجازی پدر و مادر ندارد، و سیاست و ایدیالوژی شان معامله روز است. و شما در این معامله برنده شده اید. تسلیمی شما به عبدالعلی مزاری هم از کارنامه تاریخی شما است. و هنوز هم در سالگرد تجلیل شان اشک تمساح می ریزانید.

- نژاد پرستی را که در قاموس حزبی ها و مکتب مانبوده شما انرا کشت، و به میراث مانندید.

- شما آقای کشتمند به نظر شخص ما رقم ماهی بیدون اب، یک دانه گل بی بیخ و بون، و اب بیدون حرکت زندگی را بسر میبرید. و توقع ما حزبی ها از شما این است. که در برابر وطن بیچاره و مردم بی دفاع تان به دید وسیع نظر اندازی نماید. و سر منافع ملی ان فکر نماید. و فعلا کشور که در حلقوم نهنگ است باید اندیشید. نه سر کانون پژوهش تاریخی ملیت هزاره و غیره؟ - در اخر احترام شخصی که به محترم کشتمند صاحب دارم. موضوع جداگانه است و به سیاست دخالت ندارد. و اقیعت های سیاسی چیزی دیگری است. نظر و انتقاد تلخ ما را همراه با حقایق به حوصله مندی، تحلیل، و ارزیابی، ان برای تمامی اعضای حزب و وطن سابق تقدیم است. به گفته مردم یار زنده صحبت باقی و سلام.

مآخذ:

۱: تاریخ رنا او دفاع پوهاند محمد حسن کا کر.

۲: مقالات استاد صباح.

۳: مقالات پوهاند مجاور احمد زیار.

۴: مطالعه اثار و مقالات دوکتور لوتیس «ژبهاک» متخصص آراین شناسی پوهنتون برلین «جرمنی» ۵: مطالعه مقالات محترم داکتر صاحب نظر مرادی.

رفقا، دوستان عزیز تارنمای **وطندار**! لطفاً نظرات، پیشنهادات، انتقادات، مقاله ها، نوشته ها، مضامین و

مطالب علمی و تحلیلی خود را جهت نشر به ادرس پوست الکترونیکی سایت بفرستید

admin@vatandar.at



مدیر مسوول : دیپلوم انجینر عمر محسن زاده

صاحب امتیاز : انجینر نجیب یوسفی

کلیه حق بر اساس قوانین کپی رایت محفوظ و متعلق به «وطندار» می باشد

بقیه گزیده های مقالات

<http://www.vatandar.at/mahmodsafi>

وطندار